



باسمه تعالی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه تهران

دانشکده فنی



پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته

MBA

عنوان:

تبیین الگوی کارآفرینی دانشگاهی در ایران، بر اساس نقش

دانشگاه در اقتصاد دانش محور

استاد راهنما:

دکتر جعفر رزمی

نگارش:

سجاد سعیدنیا

آذر ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده فارسی

کشورهای توسعه یافته تاثیر کارآفرینی دانشگاهی در توسعه اقتصادی و مزیت رقابتی را پذیرفته‌اند. بدین ترتیب تجربه‌های مختلفی از روندهای کارآفرینی در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته شکل گرفته است که نتایج آن کشورهای در حال توسعه را هم به جهش اقتصادی با استفاده از این ابزار ترغیب می‌کند. سوالی که این تحقیق قصد پاسخ‌دهی به آن را دارد، این است که مدل مناسب برای دستیابی به کارآفرینی دانشگاهی در کشور در حال توسعه ایران چیست؟

در پاسخ به سوال فوق پایه‌های نظری پدیده کارآفرینی دانشگاهی با اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی مقایسه شده است و مدل مفهومی کارآفرینی دانشگاهی منطبق با واقعیت‌های موجود توسعه داده شده است. طبق فرض‌های مدل به دلیل ساخت غیر مناسب مثلث دولت-صنعت-دانشگاه که در مدل مارپیچ سه حلقه‌ای مطرح می‌شود؛ پدیده کارآفرینی دانشگاهی در کشورهای در حال توسعه شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. دلیل این امر پیشتازی دانشگاه در ایجاد تغییر در محیط اجتماعی و اقتصادی است.

نوع این تحقیق از نظر هدف کاربردی است. برای رسیدن به نتایج نهایی از تحقیقات کتابخانه‌ای برای یک پژوهش توصیفی استفاده شده است. برای اینکه اعتبار مدل نهایی احراز گردد؛ از تئوری‌های عام و نتایج تجربی ارائه شده در مقالات معتبر استفاده شده است. مدل اقتصادی پایه بحث، بر تئوری نئوکلاسیک‌ها و مکتب استراکچریست‌ها که کوزنتس از آن جمله بود بنا شده است.

نتیجه به دست آمده این است که دانشگاه‌ها، برای تبدیل شدن به یک محیط کارآفرین باید با یک چشم‌انداز بلندمدت دست به تغییر ساختار و فرهنگ داخلی بزنند. تغییر در دانشگاه به جهت مطابقت با نظام اقتصادی و اجتماعی پیرامونی محرک نوعی فرهنگ خواهد بود که پایه‌گذار شبکه‌های سراسری تولید دانش و نظام نوآوری ملی می‌شود. از سوی دیگر سیاست-گذاران هم با برنامه‌ریزی و تامین منابع ضمن تشویق دانشگاه‌ها برای تغییر ساختار و فرهنگ، باید با تمامی امکانات تغییرات مذکور را به جامعه اطراف در سطوح شهر، منطقه و کشور تسری دهند و آن را نهادینه کنند.

فهرست مطالب

فصل اول: طرح تحقیق (کلیات).....	۱
۱-۱. مقدمه:.....	۲
۲-۱. مساله تحقیق (بیان مساله):.....	۵
۳-۱. تاریخچه و پیشینه تحقیق:.....	۹
۴-۱. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق:.....	۱۳
۱-۴-۱. اهمیت تحقیق از نظر تئوری.....	۱۳
۲-۴-۱. اهمیت تحقیق از نظر عملیاتی.....	۱۴
۵-۱. چارچوب نظری تحقیق:.....	۱۵
۱-۵-۱. چارچوب اقتصادی.....	۱۶
۲-۵-۱. چارچوب عملیاتی.....	۱۸
فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع.....	۲۰
۱-۲. مقدمه:.....	۲۱
۲-۲. محدوده مفهوم کارآفرینی در دانشگاه.....	۲۲
۳-۲. تعریف کارآفرین دانشگاهی.....	۲۵
۴-۲. الگوی کارآفرین دانشگاهی.....	۳۰
۱-۴-۲. پیاده سازی مارپیچ سه حلقه ای.....	۳۵
۵-۲. توسعه اقتصادی دانش محور.....	۳۷
فصل سوم: روش تحقیق.....	۴۲
۱-۳. تحقیق از دیدگاه هدف تحقیق.....	۴۳
۲-۳. تحقیق از دیدگاه روش تحقیق.....	۴۳
فصل چهارم: تبیین الگوی تحلیلی کارآفرینی دانشگاهی.....	۴۵
۱-۴. مقدمه.....	۴۶
۲-۴. کارآفرینی دانشگاهی و تولید دانش.....	۴۹

۳-۴	آموزش در کارآفرینی دانشگاهی	۵۳
۴-۴	کارآفرینی دانشگاهی و نوآوری	۵۷
۵-۴	کارآفرینی دانشگاهی و یادگیری	۶۰
	فصل پنجم: نتایج و پیشنهادات	۶۲
	منابع و مراجع	۶۵

فهرست جدولها

جدول ۱-۱: اجزای شناخته شده بهترین تجربه‌ها در حوزه کارآفرینی دانشگاهی.....۱۱

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۲- نمودار حوزه مطالعاتی کارآفرینی ۲۴
- شکل ۲-۲- نمودار حوزه مطالعاتی کارآفرینی دانشگاهی ۲۸
- شکل ۳-۲- روابط دولت، صنعت و دانشگاه با تسلط دولتی ۳۱
- شکل ۴-۲- مدل ارتباط دولت-صنعت-دانشگاه در اقتصاد آزاد ۳۲
- شکل ۵-۲- ارتباط دولت-صنعت-دانشگاه در ماریپچ سه‌گانه ۳۲
- شکل ۶-۲- صفحات ارتباطی و انتظارات در سطح شبکه ۳۳
- شکل ۱-۴- چارچوب کارآفرینی دانشگاهی و تولید دانش ۵۱
- شکل ۲-۴- چارچوب آموزشی برای کارآفرینی دانشگاهی ۵۶
- شکل ۳-۴- چارچوب مفهومی نوآوری و کارآفرینی دانشگاهی ۵۹
- شکل ۴-۴- مدل مفهومی کارآفرینی دانشگاهی براساس یادگیری ۶۱

فصل اول:

طرح تحقیق

(کلیات)

بیش از سه دهه است که نقش دانشگاه‌ها در سیستم اقتصادی - اجتماعی کشورهای توسعه یافته مورد توجه قرار گرفته است. دلیل این اتفاق، رویکرد سیاست‌گذاران به کارآفرینی دانشگاهی است. سیاست‌گذاران به دلیل گزارش‌هایی که فواید اقتصادی برخاسته از تجاری شدن علوم و فن‌آوری را بیان می‌کنند؛ به نقش‌آفرینی مستقیم دانشگاه در توسعه اقتصادی، علاقمند شده‌اند. اصطلاح «موتور دانش» که اکنون فراوان به کار برده می‌شود؛ اشاره به نقشی است که عالمان اقتصادی، سالها پیش برای علم و تکنولوژی وضع کرده‌اند.

تحقیق درباره نقش دانشگاه در توسعه اقتصادی، در قالب کارآفرینی دانشگاهی، با وجود تجربه‌های موفق، بسیار ناچیز است. دلیل چنین امری را می‌توان به عوامل مختلفی منتسب کرد. از جمله دلایل، تعداد کم دانشگاه‌هایی است که دارای برنامه‌های کارآفرینی، با ساختار مناسب هستند. تعداد پژوهش‌های منتشر شده، در این مورد هم بسیار محدود است و عمده آنها نیز در مورد شرکت‌های با پایه فن‌آوری است (Michael C. Brennan and Pauric, 2006 McGowan).

به نظر می‌رسد مسائل عملیاتی و مدیریتی شرکت‌ها و شبه شرکت‌های وابسته به محیط دانشگاه، ذهن محققان را به خود مشغول کرده است. با توجه به همین مسائل، تعاریف و الگوهای ارائه شده برای مفهوم کارآفرینی دانشگاهی یا دانشگاه کارآفرین بسیار کم است. کم بودن تحقیقات هم به شکاف دانش و ابهام در متدولوژی منجر شده و بسیاری از دانشگاه‌ها را دچار تردید نموده است. البته در سایر زمینه‌های کارآفرینی، بخصوص آنجا که تاثیرات اقتصادی مفهوم کارآفرینی موضوع بحث است؛ یا آنجا که خصوصیات کارآفرین مورد بحث قرار می‌گیرد؛ مطالب زیادی منتشر شده است. بسیاری از محققین با نگاه جدید به تاثیرات اقتصادی و خصوصیات کارآفرین، در تطبیق با محیط دانشگاه، به نتایج قابل توجهی رسیده‌اند.

بنابراین درک کامل پدیده کارآفرینی دانشگاهی و توسعه یک مدل عقلی از فرآیندهای درگیر، در حال حاضر امکان‌پذیر نیست. اما نتایج حاصل از پیاده کردن این مفهوم در سراسر جهان مشهود است. کشورهای بسیاری با استفاده از الگوبرداری از بهترین تجربه‌های موجود، به دنبال تغییر جایگاه خود در اقتصاد جهانی هستند.

استقبال گسترده از مفهوم کارآفرینی دانشگاهی، برای بالا بردن رقابت‌پذیری ملی، به غلبه اندیشه دانش محوری برای ایجاد رشد اقتصادی وابسته است. چنانچه در مطالعات تجربی اقتصادی مشاهده شده است؛ اقتصاد دانش محور می‌تواند زمینه جهش توسعه‌ای برای جبران عقب ماندگی در کشورهای در حال توسعه را فراهم آورد. تکرار نامهای درخشان و پیشرو در این زمینه، مثل دره سیلیکون (Silicon Valley) و دانشگاه فنی ماساچوست (MIT) و تاثیر آنها بر اقتصاد محلی، منطقه‌ای و ملی؛ همه جهان را به پیروی از این مفهوم وا داشته است.

اما، همانطور که اشاره شد، آنچه روند معمول استفاده از بهترین تجربه‌ها را در همه جهان دچار مشکل می‌کند؛ نادیده گرفتن برخی سوالات اساسی مطرح در فرضیات موجود برای ایجاد دانشگاه کارآفرین است. این مساله در کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه، به طور یکسان، نمودار شده است. بیشتر این مسائل، از کارکرد اقتصادی-اجتماعی این پدیده ناشی می‌شود. بعضی از سوالات مذکور عبارتند از اینکه:

۱. شرایط اقتصادی پیرامونی چه تاثیری در روند کارآفرینی دانشگاه متبوع دارد؟
۲. زیرساخت‌های اجتماعی (قوانین، وضعیت اجتماعی دانشگاهها، سرمایه، توسعه نیافتگی علمی و اقتصادی و امکانات فنی) چه تغییری در روش کارآفرینی دانشگاهی ایجاد می‌کند؟
۳. به طور کل ارتباط دو طرفه سیستم اقتصادی-اجتماعی و جهت‌گیری‌های استراتژیک و کلان کشور، با مفهوم کارآفرینی دانشگاهی چیست؟

طبق مطالعات انجام شده، برای حرکت به سمت دانشگاه کارآفرین، تجدید نظم سازمانی سراسری در دانشگاه، پذیرش یک بنیان اداری منسجم و توانایی برنامه‌ریزی یکپارچه برای بخش‌های مختلف سازمان؛ ضروری است. بنابراین می‌توان گفت، مسیر طولانی پیش روی کارآفرینی دانشگاهی قرار دارد. بعضی از محققین، اولین قدم در حرکت به سمت دانشگاه کارآفرین را تعیین اولویت دانشگاه از طریق مذاکره با ارائه دهندگان یا تامین‌کنندگان منابع دانشگاهی می‌دانند. تعیین اولویت‌ها، در این مطالعات به این معنی است که پیش از پرداختن به مطالعات عملیاتی، باید به ابهامات نظری موجود در مفهوم کارآفرینی در دانشگاه، پاسخ داد. البته با توجه به اینکه مطالعات عملیاتی هم در تمامی محافل پژوهشی جهان هنوز کامل نیست؛ نمی‌توان چشم‌انداز بلند مدتی که دانشگاه‌ها برای تولید علم و مشارکت غیر مستقیم در اقتصاد کشور دارند؛ به دلیل نتایج ناامید کننده کوتاه مدت، کنار گذاشت.

در همایش^۱ وزیران آموزش عالی کشورهای OECD (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه) سال ۲۰۰۶، سه زمینه کلیدی چالش‌ها برای آموزش عالی تعریف شد که باید در کشورهای عضو (از جمله ایران) مورد مطالعه و توجه قرار گیرد. چالش‌های مذکور عبارتند از:

۴. سرمایه‌گذاری: چه کسی باید هزینه تحصیلات عالی را بپردازد؟
۵. کیفیت: چگونه باید از کیفیت و میزان تاثیر تحصیلات عالی مطمئن شد؟
۶. توانایی و شایستگی: تحصیلات عالی تا چه حد نیازهای اقتصادی-اجتماعی در اقتصاد جهانی شده دانش محور را برآورده می‌کند؟

کشورهایی که در همایش مذکور شرکت داشتند، کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شدند و در صدد جبران عقب ماندگی در زمینه‌های علم و فن‌آوری و اقتصاد بودند. یکی از نتایج پایانی همایش این بود که برای این کشورها، مساله زمان، بسیار مهم است. به همین دلیل، باید تلاش‌های ملی در هر دو زمینه استراتژیک (چه کاری درست است؟) و نیز عملیاتی (چگونه می‌توان درست عمل کرد؟) به یک میزان متمرکز شود.

تجربیات مطرح در همایش، موفقیت در این زمینه را منوط به کار بردن رهبری واحد و اجماع برای همکاری گروهی می‌دانست. دو چالش ابتدایی، سرمایه‌گذاری و کیفیت، غالباً عملیاتی هستند؛ ولی، چالش سوم که در این تحقیق مد نظر است؛ جنبه تعاملات استراتژیک آموزش عالی با ارتباطات اقتصادی و اجتماعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

موسسات آموزش عالی موفق در دنیا می‌دانند چگونه دانش را ایجاد، مدیریت و استفاده نمایند. در وضعیت اقتصادی نوظهور جهان، دانشگاه‌های کارآفرین مدرن، دانش (علوم پایه، فن‌آوری و نوآوری) را از طریق روش‌های بسیاری به کار می‌گیرند. برای اینکه ایران بتواند با استفاده از این ابزار، عقب‌ماندگی خود را جبران کند؛ باید تحول دانشگاه‌ها در این مسیر را سرعت بخشد. در عین حال نمی‌تواند تنها به تقلید صرف از تجربه‌های موجود اکتفا کند. برای رسیدن به بلوغ دانشگاهی، باید برای کلیه تعاملات دانشگاه با محیط اقتصادی-اجتماعی پیرامون آن برنامه‌ریزی گردد. در کنار رشد و توسعه سرمایه‌گذاری و کیفیت آموزش عالی، ایجاد الگویی که نقش دانشگاه را در ایجاد رقابت‌پذیری ملی پر رنگ‌تر و استفاده از بهترین تجربه‌ها را معنی‌دار می‌کند ضروری است.

¹ Higher Education: Quality, Equity and Efficiency, Meeting of OECD Education Ministers, 27-28 June 2006, Athens, Greece.

۱-۲. مساله تحقیق (بیان مساله):

این تحقیق با سوال «چگونه کارآفرینی دانشگاهی می‌تواند به جهش در توسعه اقتصادی ایران کمک کند؟» آغاز گردید. بنابراین عنوان تحقیق در طرح پیشنهادی ابتدایی به صورت «ارزیابی مقایسه‌ای دانشگاه‌های برتر دنیا و دانشگاه‌های ایران در زمینه کارآفرینی» تعریف و تصویب گردید. از آنجا که طبق فرآیند ارزیابی مقایسه‌ای (بنچ مارکینگ) ابتدا باید آنچه باید مورد ارزیابی قرار گیرد شناخته می‌شد؛ دو سوال ابتدایی مطرح شد.

۱. کارآفرینی دانشگاهی چیست و ابعاد آن کدام است؟

۲. وضع موجود ابعاد کارآفرینی دانشگاهی در ایران چگونه است؟

۳. ابعاد قابل بهبود در کارآفرینی دانشگاهی در ایران چیست؟

برای پاسخ گویی به سوالات ایجاد شده، ابتدا به یک سند بالا دستی در این زمینه مراجعه شد. جهت‌گیری عملیاتی و رسمی در مورد مفهوم کارآفرینی دانشگاهی در ایران با «طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد)» در سال ۱۳۷۹ آغاز شده است. کلیات و اهداف این طرح به شکل زیر بیان گردید:

«از آنجا که در گذشته متأسفانه برنامه‌ریزی جامع و کلان برای ترویج، پرورش، آموزش و گسترش کارآفرینی و حمایت از کارآفرینان توسط دولت انجام نشده و تسهیلات مالی، حمایتی، قانونی و فضای فرهنگی مناسب برای توسعه کارآفرینی در سطح جامعه، از جمله در سطح دانشگاه‌های کشور به عنوان بخش پیشرو در توسعه کارآفرینان توسعه کشور، شکل نگرفته است، در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران موضوع کارآفرینی و بخصوص در بعد آموزش و پرورش کارآفرینان مورد توجه خاص قرار گرفت و طرح و اعتبارات خاصی در قالب این برنامه و برنامه‌های بودجه سالیانه کشور برای گسترش و توسعه کارآفرینی در سطح چند وزارتخانه و سازمان دولتی مرتبط پیش‌بینی شده است.

...

اهداف طرح کاراد: به دلیل اهمیت و نقش کارآفرینان در توسعه، در دو دهه گذشته، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی ویژه‌ای به شکل متنوع برای پرورش و آموزش کارآفرینان در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته و در حال توسعه ارائه می‌گردد. هدف اصلی از اجرای این طرح توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان سنجش

آموزش کشور با همکاری دانشگاهها، توسعه پرورش و آموزش کارآفرینان در دانشگاههای کشور می‌باشد. لیکن به دلیل تازگی مفهوم و سابقه این موضوع حتی در بین صاحب‌نظران، پژوهش و ترویج موضوع کارآفرینی جهت ترغیب دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به این موضوع و پرورش اساتید و تهیه و تدوین متون آموزشی نیز از اهداف این طرح به شمار می‌رود.»

برای مقایسه مفهوم کارآفرینی دانشگاهی با طرح کاراد که از سال ۱۳۸۰ به بعد در دانشگاه‌های مجری دنبال شد؛ به تحقیقات بسیاری که موارد تجربی موجود در سراسر جهان را بررسی و طبقه‌بندی نموده بودند، مراجعه گردید. با توجه به درکی که با تعریف شومپتر از کارآفرینی حاصل شده بود؛ دانشگاه کارآفرین نوین، به صورت سه مفهوم زیر تعریف می‌شود (Mian, 2007):

- دانشگاه به عنوان سازمان، خود را با سبک مدیریت کارآفرین سازگار می‌نماید و به این شکل اداره می‌شود.
- اعضای جامعه دانشگاهی (استادان، دانشجویان و کارکنان) به صورت کارآفرین فعالیت می‌کنند.
- دانشگاه در تعامل با محیط پیرامون خود (جامعه)، از رویکرد کارآفرینی تبعیت می‌کند.

با توجه به شکل مفهومی بیان شده در ادبیات تجربی، رویکرد طرح کاراد، با بهترین توجیه، تنها به بخشی از مورد سوم محدود می‌شد. لذا با وجود مراکز کارآفرینی و حتی دانشکده مستقل، ایران در زمره کشورهایی که کارآفرینی دانشگاهی را به عنوان ابزار ایجاد رقابت‌پذیری ملی پذیرفته‌اند قرار نمی‌گیرد. در طرح کاراد و در نتیجه رویکرد دانشگاهی به کارآفرینی، نقش جدی دانشگاه در عرصه توسعه اقتصادی نادیده مانده است. در این دیدگاه، دانشگاه محل تربیت نیروی انسانی است و در این مورد هم به تربیت کارآفرین به صورت نظری و عملی خواهد پرداخت. در تجربیات مستند شده، می‌توان مشاهده کرد که رویکرد اروپایی به دانشگاه کارآفرین، به توسعه فرصت‌های شغلی نظر دارد. این دیدگاه که نزدیکترین شکل عملی به طرح کاراد در ایران است هم چنین برداشت محدودی را نمی‌پذیرد. به عبارت بهتر، در بینش ایرانی به دانشگاه کارآفرین؛ حرکت از سوی دانشگاه به محیط اقتصادی-اجتماعی اتفاق می‌افتد. در حالیکه در نمونه‌های موفق، فشارهای اقتصادی-اجتماعی، دانشگاه را به حرکت در آورده است.

دانشکده کارآفرینی در ایران با سیاست فوق، کارکردی مثل دانشکده نفت یا پتروشیمی خواهد داشت. یعنی دانشکده‌ای خواهد بود که تنها به صورت سنتی برای فعالیت اقتصادی خارج از محیط دانشگاه نیروی انسانی تربیت می‌کند و نقش آن در اقتصاد، غیر مستقیم و زیرساختی است. بدین ترتیب چشم‌انداز تحول آفرین، مانند نمونه‌های موجود در اقتصادهای توسعه یافته، در آن متصور نیست. دانشگاهیان در این دیدگاه همچنان در برج عاج حضور دارند و دست خود آلوده به فعالیت‌های اقتصادی نمی‌کنند.

در ادامه برای شناخت ابعاد الگوبرداری به مدل‌های تحلیلی موجود مراجعه گردید. با تحقیق در مورد مدل‌های کارآفرینی موجود، مشخص شد نمی‌توان از آنها به منظور ارزیابی مقایسه‌ای کارآفرینی دانشگاهی در ایران استفاده کرد. دلیل ناتوانی مدل‌های موجود این است که کارآفرینی دانشگاهی با دارا بودن سطوح مختلف تحلیل (فرد، گروه و جامعه) و اشکال عملیاتی متنوع (مدیریتی، قانونی و اجتماعی) دارای وابستگی بسیار به شرایط اقتصادی-اجتماعی پیرامونی است. مدل‌های مورد بررسی، عملاً این پدیده را تحت شرایط موجود در کشورهای توسعه یافته بررسی نموده بودند. در آنها اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری به عنوان بستر بدیهی پدیده کارآفرینی دانشگاهی مورد پذیرش بود.

این تحقیق با در نظر داشتن به چشم‌انداز بیست ساله اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، برنامه چهارم توسعه و نظریات اقتصادی معاصر که در توصیه‌های بانک جهانی متبلور شده است، بر کارکردهای اقتصاد دانش - محور و نقش دانشگاه در این بستر پایه‌گذاری شد. بنابراین تعریف مجدد و صورت‌بندی جدید مساله به این شکل درآمد:

الگوی کارآفرینی دانشگاهی، برای استفاده از بهترین تجارب جهانی، چگونه باید باشد؟

با بیان مساله به شکل فوق فرضیات زیر مورد آزمون قرار می‌گرفت:

- توسعه نیافتگی اقتصادی در شکل فعالیت‌های کارآفرین در دانشگاه تاثیر می‌گذارد.
- محیط اقتصادی-اجتماعی کشور، فرآیند کارآفرینی را به شکل متفاوتی از آنچه در کشورهای دیگر مرسوم است، تحت تاثیر قرار می‌دهد.

- استراتژی دانشگاه کارآفرین در کشور، متفاوت از همتایان آن در کشورهای توسعه یافته خواهد بود.
- نقش دانشگاه کارآفرین در ایران فراتر از نقش اقتصادی حاکم بر آن، در کشورهای توسعه یافته خواهد بود و نقش فرهنگ سازی، ابعاد گسترده‌تری خواهد داشت.

فرضیات فوق در سطوح مختلف تجزیه و تحلیل قرار دارند که عبارتند از: فعالیت، فرآیند، استراتژی و هدف و فلسفه وجودی.

بدیهی است در این فرضیات، انگیزش اقتصادی و اجتماعی برای دانشگاه دلیل حرکت به سوی کارآفرینی است. مبانی بررسی‌ها هم براساس کارکردهای دانشگاه در اقتصاد دانش-محور قرار گرفته است. بنابر این عنوان «تبیین الگوی کارآفرینی دانشگاهی در ایران بر اساس کارکردهای دانشگاه در اقتصاد دانش محور» ناظر بر این نکته است که دانشگاه کارآفرین باعث رشد اقتصادی در جامعه خواهد شد. در این تحقیق شرایط مسیری که طی آن، دانشگاه کارآفرین باعث توسعه اقتصادی می‌شود بررسی خواهد شد؛ تا عوامل لازم برای الگوبرداریف با دید بازتر، انتخاب و اجرایی شود.

در این تحقیق محیط اقتصادی-اجتماعی که از سالهای ۱۹۷۰ به بعد رویاروی پیشروان این مفهوم بوده است؛ عوامل کلیدی بررسی بوده است. عوامل مذکور عبارتند از (Mian, 2003):

- برتری در حال رشد کسب و کارهای کوچک، کارآفرین و تکنولوژی محور
- رقابت جهانی فوق‌العاده
- افزایش نقش علم و تکنولوژی در اقتصادی که محرک آن نوآوری است
- تغییر در سیاستهای اقتصادی

۳-۱. تاریخچه و پیشینه تحقیق:

درک مفهومی از نقش دانشگاه در توسعه اقتصادی، هنوز در حال رشد است. به طور کلی دو نظریه اصلی بیشتر از دیگران برای بیان این نقش به کار می‌رود. اولین دیدگاه در سال ۱۹۹۸ توسط اتکوویتز (Etkovitz) و همکارانش مطرح شد. دیدگاه اتکوویتز به «کارآفرینی دانشگاهی»^۱ مشهور است. پژوهشگران مذکور معتقدند که اعضای هیات علمی دانشگاه و مدیران اجرایی می‌توانند به صورت کارآفرین عمل کنند. آنها فرصت‌ها را در موسسات دولتی یا خصوصی می‌پروراند تا برنامه‌های کاری خود را پیش ببرند. البته دیدگاه اتکوویتز در سالهای بعد گسترده‌تر شده است.

دومین نظریه که به آن ارجاع می‌شود بحث «دستکاری شرکتی»^۲ است. اصول بحث مذکور از این قرار است که شرکت‌های خصوصی در روند معمول تحقیقات علمی مداخله می‌کنند و به دنبال این هستند که برای رسیدن به اهداف تجاری، تحقیقات دانشگاهی در ارتباط با خود را تحت کنترل در آورند (Noble, 1977).

دو نظریه فوق توانسته‌اند نقش دانشگاه در نظام سرمایه‌داری را تبیین و تعیین کنند؛ ولی در ترسیم تابع هدف نهاد دانشگاه شکست خورده‌اند. مسیرهای پیچیده و بغرنجی که از آن طریق نهاد دانشگاه در شرایط اقتصادی و اجتماعی مدرن جا می‌گیرد و ذات ارتباطات و فشارهای داخلی که دانشگاه با آن روبرو است در این تحقیقات مجهول است (Mian, 2007). برای حل این مشکل نظری و جنبه‌های عملی آن، تلاشهای بسیاری انجام شده است. تحقیقات در این مسیر، دو شکل عمده داشته است. بخشی از آنها، عوامل مختلف در سطوح گوناگون را بررسی کرده‌اند. مطالعاتی که در مورد شرکت‌های با پایه فن‌آوری، سرمایه‌گذاری و تجاری سازی علوم دانشگاهی و شبه شرکت‌ها انجام می‌شود، در رده مذکور قرار دارند. بخش دیگر مطالعات با جمع‌آوری نتایج مطالعات بخش اول، مدل‌های کلی‌تری را ارائه نموده‌اند.

مطالعه مایکل «برنان» (Michael Brennan) و همکاران (۲۰۰۵) مدلی را ارائه داده‌اند که مفهوم کارآفرینی دانشگاهی را روشن می‌نماید. در بررسی دیگری کاندیدا براش (Candida G. Brush) و همکاران (۲۰۰۳) تلاش کرده‌اند ویژگی‌ها و فلسفه کارآفرینی در

¹ academic entrepreneurship

² corporate manipulation

حوزه دانشگاه را به صورت یک چارچوب مفهومی جمع کنند تا بتوانند از آن برای طراحی دوره دکترا در کارآفرینی استفاده کنند.

یکی از مطالعاتی که زمینه تحقیقاتی آن بسیار شبیه مطالعه موجود است توسط سرفراز میان (Sarfraz Mian) انجام گرفته است. مطالعه انجام شده، با عنوان «آیا الگوی دانشگاه کارآفرین می‌تواند در جهش به سوی اقتصاد دانش‌محور به پاکستان کمک کند؟» در پی این است که مدلی را برای بهترین الگوبرداری از تجربه‌های موفق ارائه کند. این مطالعه با بررسی مطالعات انجام شده، اجزای لازم برای الگوبرداری بهترین تجربه‌ها را ارائه داده است. جدول ۱ خلاصه اجزای بررسی شده توسط این محقق را نشان می‌دهد. این پژوهش که به تجربیات مطالعاتی چندین ساله «میان» درباره این موضوع متکی است با به کار بردن مفاهیم مطرح شده در جدول ۱، یک الگوی کلی از مفهوم کارآفرینی و همچنین یک الگوی تفصیلی اجرایی هم ارائه می‌نماید که بیشتر بر نوآوری در دانشگاه تاکید دارد.

پیشینه تحقیقاتی موجود، نشان داد که برداشت اتکویتز، همچنان به عنوان الگوی پایه، در بررسی‌های بعدی به کار می‌رود. عدم توجه به خاستگاه اقتصادی-اجتماعی چارچوب اتکویتز و ویژگی سرمایه‌داری حاکم بر آن، در همه مطالعات بعدی وجود دارد. همچنین در مطالعات انجام شده برای تجمیع نتایج هم غلبه یک خصوصیت از کارآفرینی دانشگاهی مشاهده شد. دلیل غلبه یک دیدگاه مطالعاتی، تخصص پژوهنده است. الگوی «برنان» حول عوامل رفتاری می‌چرخید. «براش» در چارچوب مفهومی خود به جنبه مطالعاتی و آموزشی کارآفرینی در دانشگاه اشاره دارد. «میان» بیشتر بر تجاری سازی و استراتژی رقابتی در کارآفرینی دانشگاهی تمرکز کرده است. بنابراین چنانچه مسیر تعامل با شرایط اقتصادی-اجتماعی برگزیده شود؛ می‌توان الگوی کارآفرینی در ایران را مناسب‌تر طراحی نمود. این موضوع در بررسی ادبیات موضوع به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است.

جدول ۱-۱: اجزای شناخته شده برای بررسی بهترین تجربه‌ها در حوزه کارآفرینی
دانشگاهی (Mian, 2007)

منبع	شرح	عامل
Tornatzky et al (2002), Clark (2001)	توسعه اقتصادی و مشارکت با صنایع، خودگردانی، اتکا به نفس و زمینه‌های ترقی دانشگاهی در همه مستندات در همه سطوح از جمله وب سایت‌ها، بروشورها، گفتارها، نشریه‌ها و غیره به وضوح شرح داده شده است.	وضعیت اهداف: چشم‌انداز، ماموریت، اهداف/مقاصد
Tornatzky et al (2002)	تسهیل ارتباطات ترجیحا تک موضوعی، ساده سازی قراردادها، تحت شبکه قرار گرفتن منابع، مدیران ثابت برای برنامه‌ها، درگیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در تحقیقات صنعتی، پارک‌های علوم، همراهی با مشتریان	مشارکت در تحقیقات صنعتی
Tornatzky et al (2002)	دوره‌های کوتاه مدت سفارشی، برنامه‌هایی برای مقامات رسمی درگیر با توسعه اقتصادی، دوره‌های آموزشی کارآفرینی	آموزش صنعتی و مشارکت در کار-آموزی
Tornatzky et al (2002)	استفاده گسترده از کارآموزی دانشجویان، بازارهای شغلی	دوره‌های کارآموزی و کاریابی برای دانشجویان
Tornatzky et al (2002) Corona, Doutriaux, Mian (2006)	وجود دفاتر رسمی و برنامه فعال انتقال تکنولوژی، فعالیت پشتیبانی از حق امتیاز، دوره‌های ایجاد آگاهی، اقدامات اولیه برای اثبات سرمایه‌های فکری	برنامه‌های انتقال تکنولوژی
Tornatzky et al (2002)	استفاده از دانشجویان سطوح بالاتر اعضای هیات علمی به عنوان کارکنان خارج از محدوده، ارتباط و همراهی با برنامه‌های کمکی دولت برای صنایع	حل مسائل صنعتی (گسترش تجربیات و خدمات خارج از محدوده)
Tornatzky et al (2002) Corona, Doutriaux, Mian (2006)	اینکوباتورها و پارک‌های علم و تکنولوژی	پشتیبانی از توسعه موسسات

ادامه جدول ۱-۱: اجزای شناخته شده برای بررسی بهترین تجربه‌ها در حوزه

کارآفرینی دانشگاهی (Mian, 2007)

منبع	شرح	عامل
Tornatzky et al (2002)	میزبانی پیمانی برنامه‌های تکنولوژی محور دولتی، کمک به تامین نیروی انسانی برای شرکت‌ها، مشارکت در صنایع یا انجمن‌های صنعتی محلی	مشارکت رسمی با سازمان‌های توسعه اقتصادی
Tornatzky et al (2002)	مشغول شدن در شوراهای کارشناسی صنعتی در مراکز یا موسسات، مشاوره‌های آموزشی یا دوره‌های آموزشی با مشارکت صنایع	شوراهای کارشناسی صنعت و دانشگاه
Tornatzky et al (2002) Lee (2005)	پاداش و تقدیر برای اعضای هیات علمی، کارآفرینان، شریکان صنعتی، جایزه برای مشغول شدن در صنعت برای حفظ و ارتقای آن، استخدام نذیران اجرایی صنعتی به عنوان هیات امنای دانشگاه، جشن گرفتن موفقیت‌های شراکتی و اعلام آن در رسانه‌ها و وب	فرهنگ اعضای هیات علمی و پاداش فعالیت خارج از محدوده
Lee (2005) Fuller (2005)	توسعه ماموریت اجتماعی در تعلیم و تربیت عمومی، دوره‌های پروژه‌ای، زمینه‌های بین رشته‌ای و مرکب، دوره‌های کارآفرینی	بازسازی دوره‌های درسی
Lee (2005)	فضای بازتر، آموزش از راه دور، فعالیت‌های تجربه محور	تاکید کمتر بر فضای دانشگاهی
Lee (2005)	ارتقا ارزش در زمینه‌های مورد علاقه صنعت	کیفیت، خدمات مشتری، جهانی سازی و تاکید بر سودآوری
Lee (2005)	موسسه آموزش عالی باید برای دستیابی به این اهداف تمرین کند و تجربه به دست بیاورد.	شبکه ارتباطی و سیستم پاسخگویی

۴-۱. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق:

با توجه به آنچه در بخش بیان مساله گفته شد؛ انگیزه تحقیق، عبارت بود از بررسی چگونگی عملیاتی کردن مفهوم دانشگاه کارآفرین در ایران. بدین ترتیب اهمیت تحقیق از نظر عملی و ضرورت سازمانی برای جامعه دانشگاهی ایران؛ از نظر محقق در اولویت قرار دارد. با این همه برای اینکه نتایج تحقیق از نظر تئوری قابل قبول باشد، دیدگاه، محدوده مکانی و نوع داده‌ها به نحوی انتخاب شده است که اهمیت نظری موضوع تحقیق با ضرورت اجرایی آن برابر گردد.

۱-۴-۱. اهمیت تحقیق از نظر تئوری

بنابر آنچه در پیشینه تحقیق گفته شد دیدگاه اتکویتز در مورد تعریف الگوی کارآفرینی دانشگاهی یکی از اصلی‌ترین دیدگاه‌های حاکم بر کارآفرینی دانشگاهی است. ضمناً اشاره شد که اتکویتز در سالهای بعد از ارائه تعریف اولیه تحقیقات گسترده‌ای را برای بسط نظریه خود انجام داد. اتکویتز و همکارانش در تکمیل کارهای خود مدلی را بنا نهادند که به آن مدل ماریپچ سه‌گانه می‌گویند. در الگوی مورد بحث ارتباط سه‌گانه دولت-صنعت-دانشگاه از دید شبکه‌های ارتباطی بررسی گردیده و شکل عملی‌تری نسبت به قبل پیدا کرده است. پیشتر، محققان ارتباط سه‌گانه دولت-صنعت-دانشگاه را با شکل‌های دیگر مثل سیستم نوآوری ملی ایجاد می‌کردند. بعد از تثبیت نظریه و الگوی فوق، تحقیقات بعدی تحت تسلط همین الگو انجام گرفت. بررسی‌هایی که به مطابقت تجربیات، با این مدل می‌پردازد همگی در کشورهای توسعه یافته انجام گرفته است.

مطالعات موردی در کشورهای در حال توسعه چون برزیل، تایوان، چین و سنگاپور که ابعاد مطرح شده در مدل ماریپچ سه‌گانه را در نظر گرفته است؛ نتوانسته است مطابقت کامل فرآیند پیشنهادی را به اثبات برساند. هرچند این مطالعات برای رد الگوی اتکویتز هم شواهد کافی ندارند. در تمام مطالعاتی که در کشورهای در حال توسعه انجام شده است؛ یک دانشگاه یا یک بخش از عملیات کارآفرینی دانشگاهی بررسی شده است. بدین ترتیب مشاهده شد که در تطبیق کل مدل برای رسیدن به الگوی قابل تجویز در شرایط توسعه نیافتگی نقص وجود دارد. بنابراین اهمیت نظری تحقیق، در ابتدای امر، رفع نقص دیدگاه اتکویتز و الگوی ماریپچ